

شخصیت مسلمان معاصر

مؤلف:

مصطفی محمد طحان

مترجم:

محمد یوسف ارباب



طحان، مصطفی محمد، ۱۹۳۸

شخصیت مسلمان معاصر / مصطفی محمد طحان

مترجم محمد یوسف اریاب، تهران: احسان، ۱۳۸۸.

ص. ۲۵۲

ISBN: 978-964-356-612-8

فنی

الشخصیه المسلم المعاصر.

کتابنامه، به صورت زیر نویس

اسلام — تالیفات

اریاب، محمد یوسف.

۲۹۷/۰۲۵

۱۳۸۶ ش ۳/ ط ۱۱/ ۶۲ BP

۱۰۹۲۶۸۲

کتابخانه ملی ایران

شخصیت مسلمان معاصر

✦ نویسنده:	مصطفی محمد طحان
✦ مترجم:	محمد یوسف اریاب
✦ ناشر:	نشن احسان
✦ تیراژ:	۲۰۰۰
✦ نوبت چاپ:	اول - ۱۳۸۸
✦ چاپ:	مهارت
✦ قیمت:	۳۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-356-612-8

شابک: ۸-۶۱۲-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸



« دفتر مرکزی: تهران، خ انقلاب، خ صفی عیاشه، کوچه تهرانی، پلاک ۲۲، تلفن: ۷۷۷۷۷۷۰۰ »
 « فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه، مجتمع فروزنده، شماره ۴۰۶، تلفن: ۶۶۱۵۴۴۰۴، نشر احسان »

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۱۳
مقدمه	۱۵
فصل نخست: دعوتگر مسلمان در کارش مخلص است	۱۹
فصل دوم: مسلمان دعوتگر از شبهات پرهیز می‌کند	۲۵
دعوتگر موفق از شبهات هرچند کوچک به دو دلیل زیر پرهیز می‌کند	۲۶
از جمله شبهاتی که باید از آنها دوری گزید	۲۷
فصل سوم: دعوتگر احساس مسئولیت می‌کند	۳۱
مسئولیت و آزادی	۳۱
مسئولیت پیامبران	۳۳
مسئولیت‌های حاکم	۳۳
مسئولیت فرد در خانواده‌اش	۳۴
مسئولیت زن در خانه همسر چیست؟	۳۵
زن همسر خود را انتخاب می‌کند	۳۸
مثالی از ام‌سلمه	۳۸
ادبیات واپس مانده	۳۹
مسئولیت زن در خانه همسر چیست؟	۳۹
مسئولیت‌های خدمتکار	۴۰

۴۲		مسئولیت مرد در قبال مال پدر
۴۵		فصل چهارم: مسلمان دعوتگر مشغول امور بی فایده نمی شود
۴۹		فصل پنجم: دعوتگر باید بلند همت باشد
۵۷		فصل ششم: مسلمان دعوتگر همیشه خوش بین مثبت اندیش است
۵۸		مثبت نگری
۶۲		سخت گیران نابود شدند
۶۷		فصل هفتم: دعوتگر باید دانشمند و با فرهنگ باشد
۶۷		دعوتگر باید صاحب دانش و فرهنگ باشد
۶۸		اسلام و دانش
۶۸		دانش مطلوب برای دعوتگر مسلمان چیست؟
۷۰		فهم و فرهنگ دعوتگر
۷۱		فهم اسلامی دعوتگر
۷۵		بینش تاریخی دعوتگر
۷۶		بینش ادبی و زبان شناسی
۷۷		بینش و فرهنگ انسانی
۷۸		بینش علمی
۷۹		بینش واقعی و فرهنگ سیاسی
۸۱		فصل هشتم: دعوتگر مسلمان خود را به تربیت ربانی متعهد نمی کند
۸۲		مشکل مسلمانان، قضیه مسلمانان
۸۵		تربیت اسلامی
		فصل نهم: مسلمان دعوتگر بر یاد خداوند متعال پایداری می کند و از سخنان بیهوده
۹۱		اجتناب می ورزد
۹۷		فصل دهم: مسلمان دعوتگر از نفاق به دور است
۹۸		از جمله علامات و صفات منافق

اول: راستگویی	۱۰۲
دروغ	۱۰۳
دوم: خلاف وعده عمل می‌کند	۱۰۸
سوم: چون امانتی به وی سپرده شود در آن خیانت می‌کند	۱۱۰
چهارم: چون درگیر شود ستم کند	۱۱۴
اختلاف بر دو نوع است	۱۱۵
فصل یازدهم: مسلمان دعوتگر به آداب و رفتار پسندیده پایبند است	۱۱۹
مقدمه	۱۱۹
نخست: آداب اجازه خواستن	۱۲۲
دوم: آداب سلام کردن	۱۲۳
سوم: آداب مجلس	۱۲۶
چهارم: آداب سخن گفتن و گوش فرا دادن	۱۳۰
آداب سخنگو	۱۳۱
آداب شنونده	۱۳۲
پنجم: آداب غذا	۱۳۳
مقررات	۱۳۵
فصل دوازدهم: مسلمان دعوتگر آراسته و دوست‌داشتنی است	۱۳۷
آداب و رفتار	۱۳۷
از جمله این قواعد و اصول:	۱۳۸
به آموزه‌های اسلام در این زمینه بنگریم چه می‌بینیم؟	۱۳۸
دعوتگر الگو	۱۴۰
دعوتگر الگو این چنین است	۱۴۱
فصل سیزدهم: مسلمان دعوتگر در پی شناختن کسانی است که با او دیدار	
می‌کنند	۱۴۳
اسلام چه کار کرد؟	۱۴۵

۱۴۸	تفاهم.....
۱۴۹	تفاهم برای موفقیت در هر کاری لازم است.....
۱۵۰	سرپرستی و ضمانت (تکافل).....
۱۵۱	تکافل معنوی.....
۱۵۲	تکافل مادی.....
۱۵۷	فصل چهاردهم: مسلمان دعوتگر در انتخاب دوستان: دقت می‌کند.....
۱۶۱	اشتباهی که تصحیح آن لازم است.....
۱۶۳	برای او دعا کن.....
۱۶۳	با او وفادار و بی‌آلایش باش.....
۱۶۵	فصل پانزدهم: مسلمان دعوتگر با برادرانش در سایه مساجد.....
۱۶۶	نخست: امام عادل.....
۱۶۸	عدل دارای مفهومی سیاسی است.....
۱۶۸	دوم: جوانی که در عبادت خداوند رشد یافته است.....
۱۷۰	سوم: مردی که قلبش با مسجد متصل و وابسته باشد.....
۱۷۰	اما مسجد جایگاه و مقام دیگری دارد.....
۱۷۰	در مسجد خود را اصلاح و دیگران را دعوت می‌کنیم.....
۱۷۱	چهارم: مردانی که در راه خدا با هم دوست شده‌اند بر این دوستی جمع و برآ آن جدا می‌شوند.....
۱۷۴	پنجم: مردی که زنی دارای مقام و زیبایی او را به سوی خود فراخواند.....
۱۷۴	و او بگوید: من از پروردگار جهانیان می‌ترسم.....
۱۷۵	ششم: مردی که صدقه‌ای داد و آن را پنهان کرد تا دست چپش نداند آنچه را که دست راستش داده است.....
۱۷۶	هفتم: مردی که تنها خدا را یاد کرد پس چشمانش از اشک لیریز شد.....
۱۷۹	فصل شانزدهم: مسلمان دعوتگر خانواده مسلمان را پدید می‌آورد.....
۱۷۹	مقدمه: ازدواج از سنتهای پیامبران و از جمله حقایق فطرت است.....
۱۸۰	نفس به زیبایی میل و رغبت دارد.....

فصل هفدهم: مسلمان دعوتگر با مسلمان و غیرمسلمان به خوبی معاشرت می‌کند.....	۱۸۹
مقدمه.....	۱۸۹
چارچوب تاریخی این قضیه میان مبدأ و تطبیق آن.....	۱۹۰
در عصر نبوی.....	۱۹۰
در عصر صحابه و تابعین.....	۱۹۱
در عصر امویان.....	۱۹۲
در عصر عباسی.....	۱۹۲
ما با اهل ذمه دارای حقوق و تکالیف همانندی هستیم.....	۱۹۴
حقوق اهل ذمه.....	۱۹۴
حق حمایت.....	۱۹۴
حمایت از جسم و جان اهل ذمه.....	۱۹۵
حمایت از مال و ثروت آنان.....	۱۹۵
حمایت از آبروی اهل ذمه.....	۱۹۶
تأمین کردن او به هنگام ناتوانی.....	۱۹۶
آزادی دینداری.....	۱۹۶
آزادی کسب و کار.....	۱۹۸
تکالیفی که بر اهل ذمه لازم است.....	۲۰۰
نخست: جزیه و خراج.....	۲۰۰
در دو حالت جزیه از آنان ساقط می‌شود.....	۲۰۱
دوم: التزام به احکام قانون اسلامی.....	۲۰۲
سوم: مراعات کردن احساسات مسلمانان.....	۲۰۳
شبهاتی پیرامون این موضوع.....	۲۰۳
جزیه.....	۲۰۳
مهر زدن بر پشت گردن اهل ذمه.....	۲۰۴
پوشش اهل ذمه.....	۲۰۴

دوستی با اهل کتاب.....	۲۰۵
خلاصه بحث.....	۲۰۷
فصل هجدهم: مسلمان دعوتگر، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.....	۲۱۱
نخست: قضیه امر به معروف و نهی از منکر.....	۲۱۲
اما دعوت به سوی خیر.....	۲۱۲
جنبه سیاسی امر به معروف و نهی از منکر.....	۲۱۶
چرا امت باید مسئولیت این تکلیف را به عهده بگیرد؟.....	۲۱۷
مبارزه با منکر چگونه باشد؟.....	۲۱۸
فصل نوزدهم: مسلمان دعوتگر میان کار فردی و اجتماعی توازن ایجاد می‌کند.....	۲۱۹
رهبری به انجام کارهای زیر اقدام می‌کند.....	۲۲۵
رهبری باید درباره مدیریت از آگاهی بالایی برخوردار باشد.....	۲۲۶
از جمله وظایف رهبری.....	۲۲۶
فصل بیستم: مسلمان دعوتگر از مال خود انفاق می‌کند.....	۲۳۱
اقتصاد اسلامی.....	۲۳۲
دیدگاه اسلام در این باره چیست؟.....	۲۳۳
فقر، خطری بر اخلاق و رفتار است.....	۲۳۳
فکر درست با فقر پدید نمی‌آید.....	۲۳۳
این، توصیف درد بود، درمان آن چیست؟.....	۲۳۴
رفتن در زمین.....	۲۳۴
درمان دیگر زکات است.....	۲۳۵
اینک مشکل در کجاست؟.....	۲۳۶
فصل بیست و یکم: دعوتگر باید مدیری موفق باشد.....	۲۳۹
۱- تنظیم وقت.....	۲۴۰
۲- برنامه‌ریزی.....	۲۴۱
تفاوت در برنامه‌ریزی.....	۲۴۴

۲۴۶	۳- کار دعوت از درون نهادها
۲۴۸	از جمله مهم‌ترین نهادهایی که به آنها نیاز داریم عبارتند از:
۲۴۸	۱- نهاد تربیت
۲۴۹	۲- نهاد سیاسی
۲۵۰	۳- نهاد اطلاع‌رسانی
۲۵۱	۴- نهاد برنامه‌ریزی
۲۵۱	۵- اتحادیه‌های صنفی (سندیکاها)
۲۵۲	۶- سایر نهادها

مقدمه مؤلف

موضوعات مورد بحث در این کتاب مجموعه سخنرانیهایی که برای قشر جوان ایراد کرده‌ام، به منظور درمان و پیشگیری برخی از بیماریها و آفتها که ممکن است به زندگی و اندیشه آنان راه یابد و منجر به ضعف اخلاق و رفتار یا تندرستی در این زمینه شود و هر دو حالت نتیجه یکسان در بردارد.

همیشه این باور و اطمینان را داشته‌ام که نسل ما مقصود و مدلول مستقیم نهضت اسلامی است، نهضتی که بر فرد و اجتماع اثرگذار است و امت اسلام را که همچون گلدسته‌ای برابر جهانیان است نو سازی کند و تمدن اسلامی را بنیان می‌نهد.

به خوبی می‌دانستم که نابینا نمی‌تواند راهنمای کسی باشد و چه بسا دعوتگری که صفاتش رو به سوی کمال است، اما کردارش را خصلتی ناپسند تباه می‌کند ... (برای نمونه) او را شبها در قیام و روزها روزه می‌یابی، اما هنگامی که سخن می‌گویند مردم به سبب تندرستی او هراسان می‌شوند و از او می‌گریزند.

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَقُضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾

«و اگر درشت‌خوی سخت دل بودی بی‌شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»^(۱)

و چه بسا جوانی را خواهی یافت که در سخنانش میانه رواست، اما مفاهیم مورد استفاده او اشتباه هستند. به این علت و بسیاری علل دیگر تصمیم گرفتم این سخنرانیها را بدون سازم تا نسلی از آن بهره‌مند شوند.

در فصلهای آغازین از اخلاق و رفتار شخصی دعوتگر سخن به میان آورده‌ام؛ از اخلاص و دوری گزیدن از شبهات، احساس مسئولیت و نپرداختن به آنچه سودمند

نیست، بلند همتی و خوش بین بودن و ضرورت اینکه باید دانا و فرهیخته باشد و با خودش برای ادامه دادن تربیت و تداوم یاد خدا و دوری گزیدن از سخن اضافی پیمان ببندد.

در فصلهای بعدی از رابطه دعوتگر با دیگران مطالبی را بیان کرده‌ام؛ دوری دعوتگر از دورویی و متعهد دانستن خود به ادب در رفتار، آراسته و مرتب بودن، به طوری که مردم با او خو بگیرند و او نیز با مردم مأنوس شود و کسانی را که با وی دیدار می‌کنند بشناسد، در انتخاب دوستانش دقت کند و وقت زیادی برای گروه مؤمنان در سایه مساجد صرف کند.

در فصلهای دیگر از اهمیت ایجاد خانواده مسلمان، که خود راهی است جهت ساختن امت مسلمان، سخن به میان آورده‌ام. در فصلهای پایانی از رفتار دعوتگر با غیر مسلمانان در اجتماع، از وجوب امر به معروف و نهی از منکر، از کار فردی و گروهی و از انفاق و تدبیر نیکو مطالبی را بیان کرده‌ام.

این کتاب را شخصیت مسلمان معاصر نام نهاده‌ام.

شاید برخی از خوانندگان از واژه «معاصر» ایراد بگیرند؛ چون به نظر آنان - با همه احترامی که به نظر آنان قایل هستم - مسلمان معاصر همان مسلمان هر زمان و مکان دیگر است. اما من معتقدم که مسایل و مشکلاتی که مسلمان معاصر با آنها مواجه است در گذشته نبوده است و دعوتگر باید با آنها نوعی بده بستان داشته باشد و آنها را در چارچوبی مفید برای استفاده قرار بدهد.

شاید برخی به پاره‌ای از مفاهیم و مطالب مندرج در کتاب به سبب ناسازگاری آنها با امور مألوف و شناخته شده اعتراض کنند. من بر این باورم که هر چیز جدید، قابل تأمل و پذیرش است...

آنچه از برادران و خواهرانم می‌خواهم داشتن گمان نیکو است و اینکه برای این برادرشان، با اخلاص و در غیاب دعای تقویت و راه یافتن به خیر کنند.

والحمد لله رب العالمین

مصطفی محمد الطحان

کویت ۱۴۱۶/۷/۲۰

برابر با ۱۹۹۵/۱۲/۱۲

به قلم: دکتر النشمی

مقدمه

دعوتگران اسلام امروزه سنگ آسیا و کانون توجه ویژه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. افراد و دولتها آنها را تحت نظر دارند و بسیاری از کشورهای اسلامی دستگاهها و متخصصانی برای پیگیری گامها و شمارش نفسهای آنان گماشته‌اند.

کشورهای غیر اسلامی با شناخت تاریخ و تمدن اسلامی می‌دانند که تنها اسلام پایه‌های یک تمدن اسلامی را از جهت اعتقادی، فکری و روش شناختی داراست و رسیدن این دعوت و این دین به جامعه آنان پایه‌های تمدنشان را که بر نبرد با دین و بیرون انداختن بی‌قید و شرط آن از جامعه استوار است، درهم می‌شکند.

کشورهای اسلامی که از دیرباز عقیده و قوانین متعادل اسلامی در آنها رواج داشت دچار وابستگی شده‌اند و به آن عادت و باور کرده‌اند که زندگی و عزت و ثبات و بقای پایه‌های حکومت آنها در این وابستگی است، تا جایی که گمان می‌کنند اسلام سبب هلاکت آنهاست، در حالی که در حقیقت سبب نجات آنهاست. کشورهای غیر اسلامی و اسلامی با هم در دشمنی و عداوت با دین و صاحبان و حاملان دعوت آن با هماهنگی یا بدون آن وحدت نظر دارند.

از بسیاری از دعوتگران که نسبت به اسلام ناآگاه و ناآشنا هستند لغزشها و عیبهایی یافتند که این دشمنی و حملات بی‌امان و تعمیم دادن آن بر اسلام و تمام مسلمانان و دعوتگران را توجیه می‌کند. دعوتگران مخلص امروزه بسیار نیازمند یادآوری، تربیت و توجیه هستند تا دشمنان خود و سبب دشمنی آنان را بشناسند و دعوت خود را بر دشمنان و بر کسانی که حقیقت دعوت اسلام را نمی‌دانند به خوبی و نیکی ارائه دهند. امروزه می‌توان گفت یک دعوتگر موفق کسی نیست که تنها احکام فقهی دین را بداند، گرچه به مقام و درجه فقیه و مفتی و به نزدیکی اجتهاد رسیده باشد؛ چرا که نیاز او به شناخت سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی و واقعیتهای زندگی از جهت اجتماعی،

اقتصادی، فلسفی، تربیتی و روانی بسیار ضروری است. اینها سلاحهایی هستند که بدون آنها نمی‌تواند از بیابانها و موانع عبور کند و به سنگر دشمن هجوم ببرد و توان ایجاد دوستی با دعوتش را بدون آنها نخواهد داشت.

پس این کلام که «دعوت، امروزه یک دانش، هنر و مهارت است، کلامی ناآشنا و غریب نیست.»

کتابهای زیادی به قلم دانشمندان و فقیهان مخلص، برای جوانان پرشور و احساس برای فهم دین و حمل دعوت آن نوشته شده است. نویسندگانی که اصول دعوت و روشهای آن و چگونه مورد خطاب قرار دادن را نمی‌دانند، یا به عبارت دیگر آنان دعوتگر نیستند و چون دعوتگر شروع به خواندن این کتابها می‌کند دچار حیرت و سرگردانی می‌شود و در میان سخنان متعدد و دلایل و نقل قولها و ترجیحات دچار اضطراب می‌شود. مانند این است که نویسنده، فقیهی متخصص را مورد خطاب قرار می‌دهد که دنبال دلایل و ترجیحات و حاشیه‌ها و زیادی نقل قولها و آوردن تصویص است، در حالی که دعوتگر از اینها فقط به خلاصه‌ای و یا به مواردی محدود از آنچه گفته شده بیشتر نیاز ندارد.

اگر کتابی از این عیب سالم مانده باشد، از طرح و اسلوب نادرست مداوای قضایای عصر محفوظ نمانده است.

سخن او را می‌یابی که از موارد زیر خالی نیست: عیب‌جویی از دانشمندی که در تلاش و اجتهاد پیشی جسته است و خیر فراوان منتشر کرده است که وی آن همه خوبی را زیر سؤال می‌برد و اشتباهات کوچک او را بزرگ می‌کند و دیدگاه او را منحصر به فرد و شاذ می‌شمارد و سرانجام او را تحقیر می‌کند تا جایی که شاید او را از دین اسلام خارج سازد. یا اینکه مشاهده می‌کنی که اسلام را با چهره‌ای سیاه و کبود ارائه می‌دهد و در احکام سخت‌ترین آنها را اختیار می‌کند و به جای راهنمایی مسلمانان و امر به معروف و نهی از منکر و دعوت غیر مسلمانان، به دشمنی بین مسلمانان قرا می‌خواند. ظاهراً مسلمان (در نظر او) فقط کسی است که یا نویسنده کتاب و هم فکران او هم عقیده باشد و خود را هم شکل آنان بسازد و بگرنه افراد دیگر یا نادان و صاحب بدعت یا فاسق، گناهکار و یا کافر و خارج از محدوده اسلام هستند (پناه بر خدا).

دعوت‌نگر جوان که این کتابها را می‌خواند از او خواسته می‌شود با این بار مسئولیت به حرکت درآید و در جامعه‌اش دعوت‌گری کند و دعوتش را منتشر سازد. اما او تحت تأثیر این کتابها دچار افکار افراطی می‌شود، به طوری که با همه به مخالفت بر می‌خیزد. پس نوشتن برای دعوت‌گران، امروزه یک دانش، هنر و مهارت است و این سه امر در این کتاب درهم تنیده شده یافت می‌شوند. روشی آسان - «خطابی مستقیم» و دلایلی شفاف و برگرفته از نصوص و استنباطی فقهی و حرکی - نصوص را به نفع خود مصادره نمی‌کند و از آنها فهمی که امکان ندارد استخراج نمی‌کند و در نصوص هیچ گونه حمله‌ای به یک دعوت یا دعوت‌گری نمی‌یابد و از قضایای ایمانی و دعوت بزرگترین و مهم‌ترین اصول و مسایل آنها انتخاب شده است و همراه با گزینش آسان‌ترین روش در هر قضیه و ساده‌ترین راه همراه با شور و حماسه در ارائه و تحریک همتهای که با دعوت‌گری که ایمان و فکر و درک او پرنور است متناسب باشد. همراه با فراگیری صفات شخصی دعوت‌گر و بیان اسباب و مستلزمات دعوت اضافه کردن بر آن را جز به سختی نمی‌پذیرد و شما هیچ امر کلی یا جزئی را مشاهده نمی‌کنید مگر اینکه مستقیم یا غیر مستقیم در این باشد و این از اثرات موفقیت و نیکویی هدف است.

این کتاب تحفه‌ای گرانبها برای کتابخانه اسلامی، غنیمتی خالص برای دعوت‌گران و چراغی فراراه آنان است و ان شاء الله حسنه‌ای در ترازوی نویسنده آن و صدقه‌ای جاری است. و خداوند توفیق دهنده و هدایت‌گر به راهش، راه پیامبران است. بر آنان و بر پیامبر ما بهترین درودها و سلام‌ها باد و خداوند ما را به آنان برساند و در زمرهٔ روندگان راه آنان قرار بدهد!

اینه سمیع مجیب

دکتر عجیل النشمی، رئیس دانشکده شریعت در دانشگاه کویت

کویت ۱۴۱۶/۷/۲۰ هـ

برابر با ۱۹۹۶/۱۲/۱۲ م